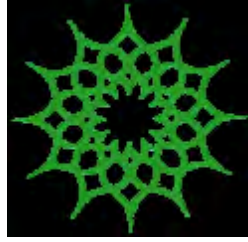


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادب فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادب فارسی

(مفاهیم پایداری در تاریخ جهانگشای جوینی)

استاد راهنما:

دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور:

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر: سارا باصبر

اسفند ماه سال ۱۳۹۳

با تشکر و سپاس فراوان از راهنمایی و حمایت های دلسوزانه استاد بزرگوارم

سرکار خانم دکتر فرانک جهانگرد

و همچنین استاد گرانقدر

جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم

که با دلگرمی‌ها و حمایت‌هایشان همواره مشوق من بوده‌اند

فهرست

۱	چکیده
۲	فصل اول
۲	مقدمه
۳	۱-۱. مقدمه
۶	۲-۱. بیان مسئله
۷	۳-۱. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش
۷	۴-۱. اهداف پژوهش
۷	۵-۱. روش انجام پژوهش
۸	۶-۱. سوال های پژوهش
۸	۷-۱. فرضیه های پژوهش
۸	۸-۱. پیشینه پژوهش
۱۰	فصل دوم
۱۰	تعاریف و کلیات
۱۱	۱-۲. ادبیات پایداری
۱۱	۱-۱-۲. تاثیرگذاری بر مخاطب
۱۴	۲-۱-۲. تغییر ارزش ها در ادبیات پایداری
۱۵	۳-۱-۲. مؤلفه های ادبیات پایداری
۱۵	۱-۳-۱-۲. هویت
۱۶	۱-۱-۳-۱-۲. هویت فردی و جمعی
۱۶	۲-۱-۳-۱-۲. تفاوت هویت ملی و هویت فرهنگی
۱۷	۳-۱-۳-۱-۲. مفهوم هویت ملی
۱۷	۴-۱-۳-۱-۲. ابعاد هویت ملی
۱۹	۲-۳-۱-۲. دیگری سازی
۲۳	۳-۳-۱-۲. تقابل
۲۴	۴-۳-۱-۲. سوگیری(موضع گیری)
۲۴	۵-۳-۱-۲. استراتژی
۲۴	۲-۲. معرفی کتاب تاریخ جهانگشای
۲۵	۳-۲. معرفی نویسنده
۲۶	۴-۲. جایگاه نویسنده
۲۶	۵-۲. مقایسه جوینی و بیهقی

۲۸	----- مفاهیم -----	فصل سوم
۲۹ ۱-۳ محورهای پایداری در تاریخ جهانگشای جوینی بر اساس مؤلفه هویت	
۲۹ ۱-۱-۳ ابعاد هویت ملی در تاریخ جهانگشای جوینی	
۳۲ ۲-۱-۳ تغییر مؤلفه های هویت	
۳۵ ۳-۱-۳ اسطوره ها و شاهنامه	
۴۷ ۲-۳ دیگری سازی و تقابل در تاریخ جهانگشای جوینی	
۴۷ ۱-۲-۳ اتصال به عالم غیب	
۵۷ ۲-۲-۳ موضع گیری در راستای تقابل	
۵۸ ۳-۲-۳ تقابل دین ها	
۵۸ ۱-۳-۲-۳ خیر و شر(حق و باطل)	
۵۹ ۲-۳-۲-۳ اسلام و کفر	
۶۵ ۴-۲-۳ تقابل مذاهب(سنّی حنفی و غیر آن)	
۶۶ ۱-۴-۲-۳ تارابی	
۶۷ ۲-۴-۲-۳ اسماعیلیه	
۷۹ ۳-۴-۲-۳ اشعری و معتزله	
۸۲ ۵-۲-۳ تقابل اقوام و ملیت ها(ایرانیان و مغولان)	
۸۷ ۳-۳ محورهای پایداری در تاریخ جهانگشای جوینی بر اساس مؤلفه انتقاد	
۸۷ ۱-۳-۳ انتقاد جوینی از مغول	
۹۰ ۲-۳-۳ انتقاد جوینی از خوارزمشاهیان	
۹۷ ۳-۳-۳ انتقاد جوینی از وضعیت جامعه	
۹۷ ۴-۳ جنگ	
۹۷ ۱-۴-۳ استراتژی جنگی مغولان	
۹۸ ۱-۱-۴-۳ استراتژی های کلی چنگیز	
۱۰۰ ۲-۱-۴-۳ حمله به شهرها	
۱۰۹ ۲-۴-۳ ابزار جنگی مغولان	
۱۱۰ ۳-۴-۳ توصیفات ادبی	
۱۱۸	----- یافته ها -----	فصل چهارم
۱۲۷	----- نتیجه گیری -----	فصل پنجم
۱۳۱	-----	منابع و مآخذ

چکیده:

تاریخ جهانگشای جوینی کتابی است تاریخی با موضوع حمله مغول به ایران که در سه جلد و بین سال‌های ۶۵۸-۶۵۰ تألیف شده است. نویسنده آن عطاملک جوینی، یکی از بزرگترین مورخان ایرانی است که سال‌ها در دستگاه مغولان به دبیری اشتغال داشته است و به دلیل جایگاه و شغل خود، آگاهی‌های زیادی از زندگی و طرز فکر آنها کسب کرده. در نتیجه اطلاعاتی که کتاب او از وقایع عصر خود به ما می‌دهد بسیار دقیق، قابل اعتماد و ارزشمند است.

از مسائل مهم راجع به این کتاب، علاوه بر ارزش تاریخی و ادبی، کارکرد پایداری آن است. به این معنا که می‌تواند در زمره کتاب‌هایی قرار گیرد که در پایداری فرهنگی علیه دشمن و احیای هویت ملی و انسجام بخشی و یکپارچگی ایرانیان در طول تاریخ نقش مهمی ایفا کرده است.

برای سنجش مفهوم پایداری در این اثر، سه مؤلفه هویت - تقابل و دیگری‌سازی - انتقاد را مشخص و تعریف کرده ایم. اصلی‌ترین عناصر سازنده هویت در این کتاب، دین و ملیت ایرانی است که نویسنده با مدد گرفتن از این هردو در پی بازسازی دوباره هویت ایرانی و برگرداندن احساس غرور ملی به مخاطب خود می‌باشد. او برای رسیدن به این هدف از اساطیر و اشعار حماسی شاهنامه بسیار کمک گرفته است.

تقابل ملیت بین دو قوم ایرانی و مغول و تقابل مذهب بین اسلام و کفر از چشم‌گیرترین تقابل‌های موجود در کتاب است که نویسنده به خوبی از آنها در راستای مبارزه با دشمن استفاده کرده و به موضع‌گیری‌هایی روی آورده که اگرچه در برابر مغولان غیر مستقیم و پوشیده و بیشتر از طریق بار منفی کلمات است مانند تکرار کلمه بلا، اما در برابر دشمن دینی او مستقیم و صریح است مانند کلمات لعین و جاهل و... در برابر اسماعیلیه و کافران

جملات انتقادی در این کتاب هم متوجه خوارزمشاهیان است که خودی محسوب می‌شوند و هم متوجه مغولان که دشمن یا دیگری هستند. انتقادهای نویسنده به دشمن معمولاً در لفافه و پوشیده صورت می‌گیرد ولی وقتی شروع به انتقاد از پادشاه و دربار ایران می‌کند کلام او صراحت بیشتری به خود می‌گیرد.

در بازخوانی‌های مکرری که طی قرون از این کتاب شده توجه به کارکرد پایداری فرهنگی آن در برابر دشمن می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

فصل اول :

مقدمه

۱-۱. مقدمه :

کتاب *تاریخ جهانگشای جوینی*، در نگاه اول کتابی است با نثری مصنوع و پیچیده، کلمات عربی و مغولی فراوان و البته موضوعی بسیار ناخوشایند که به نظر می رسد فاقد کوچکترین جذابیتی برای مخاطب باشد. کتابی که موضوع اصلی آن حمله مغول به ایران و فتوحات چنگیز است که به سرعت بخش های وسیعی از آسیا و از جمله ایران را فرا می گرفت. قومی وحشی و بی تمدن که به سراسر ایران تاختند و جز قسمت های معدودی همه جا را در زمانی کوتاه به خاک و خون کشیدند. آبادی ها را ویران کردند و مردمان بی گناه بسیاری را از دم تیغ گذراندند. و مردم ایران را در بهتی سنگین فرو بردند. اما وقتی کتاب را باز می کنیم و از صفحات آغازین آن می گذریم و به تدریج با جنس کلام و ادبیات نویسنده آن آشنا می شویم جاذبه های فراوانی در آن می یابیم.

متن کتاب از خلال کلمات و جملات بعضاً پیچیده و سختش بسیار زیبا احساس غم از شکست خوردن ایرانیان و کشته شدن های دسته جمعی شان به دست مغولان، احساس خشم از رفتارهای بی خردانه سلطان محمد و احساس غرور از مقاومت های سلطان جلال الدین یا امیر تیمور و حتی مقاومت های ناکام مردمی را در ما بر می انگیزد.

با مطالعه این کتاب، درمی یابیم که نویسنده آن عطاملک جوینی، چقدر استادانه می کوشد از خلال همین مقاومت های جسته گریخته و ناکام احساس غرور ملی و هویت ایرانی را در مخاطب برانگیزد و با وجود شرح فتوحات مغولان، روایت گر اوج پستی و رذالت آن ها به عنوان یک دیگری و دشمن نیز باشد و متقابلاً احساس مقاومت مردم ایران در برابر دیگری های مشابه مغول در طول تاریخ و نسل های آینده را برانگیزد و این گونه، تضادی زیبا را در اثر خود رقم بزند.

می بینیم که نویسنده چگونه در قسمت های مختلف این کتاب از مغولان و خونریزی هایشان به گونه ای پوشیده و غیر مستقیم انتقاد می کند و وقتی نوبت به خوارزمشاهیان می رسد با صراحت بیشتر و زیبایی نقاط ضعف دربار، اختلافات داخلی بین شاهزادگان و ضعف مدیریتی و عدم شجاعت و کارایی سلطان محمد را به نقد می کشد.

البته سوال هایی نیز در این راستا ایجاد می شود. اینکه این کتاب در یکپارچه کردن ایرانیان و بخشیدن احساس هویت به آنها در مقابل دشمن تا چه حد توانسته است تاثیرگذار باشد؟ تلاش جوینی در احیای هویت ایرانی چقدر آگاهانه است؟ او از آوردن ابیات شاهنامه و تشبیه و همانند سازی مغولان به دشمنان اساطیری ایرانیان چه قصدی دارد؟ آیا دیگری سازی و تقابل های دوگانه که بحثی جدید و مربوط به قرون معاصر است در *تاریخ جهانگشای جوینی* مصداق پیدا می کند؟

پژوهش پیش رو بر مبنای چندین فصل با نام های مقدمه، تعاریف و کلیات - مفاهیم پایداری - نتیجه گیری طراحی شده. در قسمت تعاریف به توضیح کلمات و اصطلاحاتی پرداخته شده که در فصل سه مکرر به آنها برمی خوریم. غرض از ارائه تعریف مشخص برای هر کلمه و یا انتخاب یک تعریف از چندین تعریف رسیدن به یک نقطه تفاهم و فهم مشترک از الفاظ مورد نظر می باشد. در فصل دوم (تعاریف و کلیات) کلماتی مانند هویت، دیگری سازی و تقابل، پایداری، سوگیری، تعریف شده است.

در فصل سه به بررسی محورهای پایداری در *تاریخ جهانگشای جوینی* بر مبنای تعریف پیشنهادی می پردازیم. این محورها در سه قسمت به تفکیک آمده :

الف) محورهای پایداری براساس مولفه های هویت :

در این قسمت مولفه های مختلف دینی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی هویت از پررنگ ترین تا کم رنگ ترین آنها در *تاریخ جهانگشای*، بررسی می شود. سپس به بررسی تغییر مولفه های هویت در این کتاب پرداخته می شود. اینکه جوینی چگونه با استفاده درست از ظرفیت بعضی ابعاد هویت، به سهم خود نقش بزرگی در احیا و حفظ هویت ایرانی ایفا کرده است.

ب) دیگری سازی و تقابل :

دیگری سازی و تقابل هر دو اصطلاح های مدرنی هستند که توجه به آن در تحقیقات ادبی و فلسفی سابقه چندانی ندارند. در این تحقیق برآنیم تا بدانیم آیا اساساً تقابل در *تاریخ جهانگشای* وجود دارد؟ اگر دارد این تقابل ها چه هستند و بین چه چیزهایی برقرار می شوند؟ مفهوم جدید دیگری تا چه حد در این کتاب مصداق پذیر است؟

تقابل های موجود در چهار بخش به ترتیب زیر می آید :

۱. اتصال به عالم غیب :

در صحنه رویارویی دو قوم ایرانی و مغول هر دوی آنها خود را به عالم غیب متصل می دانند. هریک خود را بر حق و دیگری را باطل می داند. چیزی که نه تنها در این جنگ بلکه در همه جنگ های تاریخ از ابتدا تا انتها، وجود داشته است.

۲. تقابل دین ها و مذاهب :

- خیر و شر (حق و باطل) :

ایرانیان همواره جهان را میدان دائم نبرد نیکی و بدی می دانسته اند. در اساطیر ایران قبل از اسلام که بیشتر از طریق کتاب اوستا به دست ما رسیده نیز اعتقاد بر این بوده که در طبیعت دو نیروی متضاد خیر (سپنتا مینو یا اثر روشنی) و شر (انگره مینو یا اثر تاریکی) وجود دارد که همواره در حال نبرد با یکدیگرند. در زامیاد یشت نیز از غلبه نیکی بر بدی در پایان جهان یاد می شود.

- تقابل دینی(اسلام و کفر) :

در تاریخ جهانگشا نمونه این تقابل ها بسیار است. مغولان به عنوان نمایندگان کفر در برابر ایرانیان بعنوان نمایندگان اسلام و دین برحق قرار می گیرند. که چون قدرت نظامی برتر هستند و طبقه حاکم و غالب محسوب می شوند نحوه مبارزه با آنها در کتاب جوینی صریح و مستقیم و آشکار نیست.

در جنگ سلطان جلال الدین با گرجی ها، تقابل قوم کافر و بت پرست گرج با ایرانیان مسلمان از منظر راوی نمایان می شود.

کوچک به عنوان یک مسیحی که سپس به آیین کفر و بت پرستی در می آید نیز در تقابل با اسلام قرار می گیرد.

جنگ قآن با قراختاییان کافر که از منظر جوینی، قآن اگرچه مسلمان نیست اما چون با کافران می جنگد در پیروزی اسلام بر کفر و رواج اسلام در بین کافران نقش مهمی دارد.

- تقابل مذاهب (سنی حنفی و غیر آن):

گفتمان غالب جامعه سنی حنفی است و هرچه غیر آن باشد و در اقلیت مانند بدعت تارابی و مذهب اسماعیلیه در تقابل با آن قرار می گیرد.

- اشعری و معتزله :

گفتمان غالب جامعه تفکر جبرگرای اشعری است و هرآنچه غیر آن مانند تفکر اختیار گرای معتزله در تقابل با آن قرار می گیرد.

۳. تقابل اقوام و ملیت ها :

- ایرانی و مغول :

بزرگترین تقابل ملی و قومیتی در تاریخ جهانگشا، تقابل دو قوم ایرانی و مغول است. قومی با تاریخ طولانی و تمدنی دیرینه و فرهنگی بسیار پیشرفته تر از قوم مغول که مغلوب می- شود و قوم دیگر با خوی بیابان گردی و بدوی با نیروی نظامی برتر که غالب می شود.

(ج) محورهای پایداری براساس مولفه انتقاد :

۱. انتقاد جوینی از مغول :

انتقادهای نویسنده از مغول در کتابش صریح و مستقیم نیست. واضح است که او از نظر امنیتی نمی تواند آشکارا و بی پرده نظر بدهد. در نتیجه به کلماتی با بار معنایی منفی متوسل می شود و مغولان را به دشمنان اساطیری ایران تشبیه می کند تا از این راه به شکل غیر مستقیم انتقاد های خود را بیان کند.

۲. انتقاد جویی از خوارزمشاهیان :

انتقادهای جویی از خوارزمشاهیان بر خلاف مغول بسیار آشکار و مستقیم و بی پرده است.

۳. انتقاد از وضعیت جامعه :

جویی در آغاز کتاب خود و پس از حمد و ثنای معبود و ستایش پادشاه زمانه منکوقآن، به شدت هرچه تمام تر از وضعیت جامعه خویش انتقاد می کند. از مندرس شدن مدارس درس، منزوی شدن طبقه علما و فضلا، قحطی مرّوت و فراوانی جهالت و بدین ترتیب وضعیت جامعه را بعد از حمله مغول برای مخاطب خویش ترسیم می کند.

(د) جنگ :

۱. استراتژی جنگی مغولان و ایرانیان

۲. ابزارهای جنگی

۳. توصیفات ادبی از میدان جنگ

۲-۱. بیان مسئله :

تاریخ جهانگشای کتابی است با موضوع حمله مغول به ایران آن عهد که از منابع مهم و معتبر و ارزشمند درباره تاریخ ایرانیان و مغولان و ذکرمسائل اجتماعی و سیاسی آن می باشد. این کتاب در سه جلد و بین سال های ۶۵۸-۶۵۰ تالیف شده است.

عطاملک جویی نویسنده آن (۶۸۱-۸۲۳ هجری قمری) از دانشمندان و مورخان نامدار ایران است که صاحب دیوان مغول و فردی دبیر بوده. کسی که سالها در دستگاه مغولان اشتغال داشته، در سفرهای بسیاری همراه آنها بوده، بسیاری وقایع را به چشم خویش دیده و از خلال همین سفرها آگاهی زیادی از زندگی، طرز فکر و احوال مغولان کسب کرده است.

در تحقیق پیش رو، تلاش ما بر این است که کتاب تاریخ جهانگشا بر اساس مفهوم پایداری بررسی شود و مقصود از مفهوم پایداری، بررسی این اثر بر اساس سه مؤلفه زیر است :

۱. هویت :

در نهایت مطالعه این اثر پس از قرن ها ما را به هویتی رهنمون می سازد که اگرچه در حوزه فرهنگی ایران است و نه حوزه جغرافیایی اما در نحوه بیان وقایع و شناخت دشمن و ظلم دشمن بر خواننده امروز سخت تأثیرگذار است و احساس هویت او را بر می انگیزد.

۲. دیگری سازی و تقابل های دوگانه :

از نظر فرم و شکل، انتقادهای جوینی در تاریخ جهانگشا بیشتر به صورت تضاد و تقابل دیده می شود و آنچه از این تقابل ها از اندیشه ایرانیان در رویارویی با مغول دریافت می شود نوعی فرآیند دیگری سازی است که بیشتر معطوف به ظلم ستیزی است تا بیگانه ستیزی.

۳. نگاه انتقادی :

این انتقادها در تاریخ جهانگشا هم شامل خوارزمشاهیان و وضعیت نابهنجار آنها در آستانه حمله مغول میشود و هم خود مغولان. همچنین وضعیت جامعه و انحطاط اخلاقی و فرهنگی آن بعد از حمله مغول.

پیشتر، مفاهیم مربوط به پایداری و مقوله های مرتبط با آن بررسی شده. (ر.ک، جهانگرد، ۱۳۹۳) در این پژوهش برآنیم تا نشان دهیم آن مفاهیم و مقوله ها تا چه اندازه و به چه شکل در تاریخ جهانگشا انعکاس یافته اند؟

۳-۱. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع) :

اگرچه کتاب های دیگری نیز در همان عصر درباره مغول نوشته شده اما نوع بیان جهانگشا، این کتاب را از بقیه متمایز و ممتاز می کند. همچنین تعداد معدودی از کتاب های تاریخ و نثرهای تاریخی مانند این کتاب جنبه انتقادی دارند.

مفهوم پایداری: آثار ادبی ای در تاریخ ادبیات وجود دارند که به دلیل دارا بودن ویژگی هایی خاص منجر به پایداری فرهنگی می شوند. اما باید بررسی شود که هر اثر ادبی چرا و چگونه در استمرار و پایداری فرهنگی نقش داشته.

۴-۱. اهداف پژوهش :

۱. بررسی مولفه های پایداری - دیگری سازی و هویت در تاریخ جهانگشای جوینی
۲. بررسی چگونگی انتقال حس هویت به نسل های بعد
۳. تحلیل نگاه انتقادی جوینی
۴. بررسی فرآیند دیگری سازی و تقابل های دوگانه در این کتاب
۵. افزودن مؤلفه های دیگری به مفهوم پایداری

۵-۱. روش انجام پژوهش :

۱. تحلیلی
۲. توصیفی

۱-۶. سؤال‌های پژوهش :

۱. نگاه جوینی به شکست ایرانیان از مغول چگونه است؟ یک شکست قطعی و همه جانبه (فرهنگ، دین، زبان، آداب و رسوم و ...) یا یک شکست نسبی و موردی؟
۲. مؤلفه های هویت جمعی در تاریخ جهانگشا چگونه بروز و ظهور یافته است؟
۳. جوینی مغول ها را بعنوان یک دشمن حمله کننده و ویرانگر چگونه ترسیم می کند؟
۴. سیر تحول نگاه جوینی به مغولان چگونه است؟
۵. جوینی از سمبل ها و نمادهای قهرمانی اسطوره ها در جهانگشا چگونه استفاده کرده است؟

۱-۷. فرضیه‌های پژوهش :

۱. عظاملک جوینی این شکست را قطعی و همه جانبه نمی‌داند.
۲. از مؤلفه های هویت جمعی علاوه بر دین، تأثیر پذیری از شاهنامه و تلاش در راه غلبه فرهنگی و کسب استقلال (بزرگ بیگدلی، ۱۳۹۲) به زبان و پشتوانه های فرهنگی و اسطوره‌ای مشترک نیز می توان اشاره کرد.
۳. جوینی تصویر دقیقی از مغولان ترسیم می‌کند و به خوارزمشاهیان و مغول نگاهی انتقادی دارد.
۴. با وجودی که نگاه جوینی به مغولان انتقادی است اما این نگاه در سراسر کتاب یکدست و یکسان نیست.
۵. نمادهای قهرمانی اسطوره ای مانند رستم به مناسبت در جای جای تاریخ جهانگشا نمود یافتند و کارکردهای وحدت بخش خود را به نمایش گذاشتند.

۱-۸. پیشینه پژوهش :

- داستان ادبیات و سرگذشت اجتماعی، شاهرخ مسکوب، چاپ اول ۱۳۷۸، نشر فروزان : در فصل آغازین کتاب به ملی گرایی و هویت اجتماعی پرداخته شده ولی مورد مطالعه‌اش تاریخ جهانگشا نیست.
- مقاله "نمود هویت ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی (بر مبنای شاهنامه فردوسی)"، فرزانه علوی‌زاده و عبدالله رادمرد. ۱۳۹۰. شاهنامه پژوهی: در این مقاله به نموده‌های هویت در تاریخ جهانگشا اشاره شده اما صرفاً در حوزه تأثیر پذیری از شاهنامه.
- مقاله "نمودهای برجسته هویت ایرانی در تاریخ جهانگشای جوینی"، سعید بزرگ بیگدلی. ۱۳۹۲. کهن نامه ادب پارسی. سال چهارم. ش اول: این مقاله نیز نموده‌های هویت ایرانی در جهانگشا را به خوبی بررسی کرده و به نوعی تکمیل و ادامه مقاله بالاست.

- مقاله "شاهنامه از دیدگاه وحدت ملی"، احسان اشراقی. هنر و مردم. ش ۱۵۳ : مبانی این مقاله با پژوهش مورد نظر ما یکی است با این تفاوت که آنجا موضوع شاهنامه است و اینجا جهانگشا.

- مقاله "ادبیات پایداری و مقوله های مرتبط با آن"، فرانک جهانگرد. ۱۳۹۳. نامه پایداری ۴(جلد ۲). مجموعه مقالات چهارمین کنگره سراسری ادبیات پایداری. کرمان: انتشارات گرا: مقوله های کلی ادبیات پایداری در این مقاله بررسی شده که به نوعی پایه کار ما نیز قرار می گیرد. در این پژوهش برآنیم تا نشان دهیم آن مفاهیم و مقوله ها تا چه اندازه در تاریخ جهانگشا انعکاس یافته اند؟

فصل دوم :

تعاریف و کلیات

۲-۱. ادبیات پایداری

در بحث پایداری باید به دو مفهوم پایداری فرهنگی و پایداری سیاسی و تمییز آنها از یکدیگر اشاره کرد. جهانگرد در مقاله « ادبیات پایداری » تفاوت آن دو را این گونه بیان می کند و سپس تعریفی از ادبیات پایداری ارائه می دهد :

"پایداری سیاسی جنگ و مقاومت مسلحانه و پایداری فرهنگی، مبارزه قلمی برای حفظ ارزش های فرهنگی جامعه است. ابزار پایداری سیاسی سلاح است و ابزار پایداری فرهنگی قلم. زمان و مکان جنگ و پایداری سیاسی مشخص است اما پایداری فرهنگی به تدریج شکل می گیرد و ممکن است قرن ها ادامه یابد. پایداری فرهنگی از نوع حفظ آیین ها، اسطوره ها و یادگارهاست. (جهانگرد، ۹۳: ۴۰۵)"

"ادبیات پایداری، از مقوله پایداری فرهنگی و نوعی مبارزه قلمی است که ممکن است در دوره جنگ و تجاوز بیگانگان، یا در دوره صلح، در برابر سلطه گران داخلی، پدید آید. بنابراین ادبیات پایداری، کاملاً پویاست و در جوامع حساسی که درک و شعور سیاسی و زمینه آفرینش های ادبی و درک هنری دارند، برای کسب یا حفظ استقلال و دفاع از ارزش های جامعه، پدید می آید. (جهانگرد، ۹۳: ۴۱۵)"

با توجه به این توضیح روشن می شود که بسیاری از آثار ادبی در تاریخ ادبیات ما وجود دارند که به دلیل دارا بودن ویژگی هایی خاص منجر به پایداری فرهنگی می شوند. اما باید بررسی شود که هر اثر ادبی چرا و چگونه در استمرار و پایداری فرهنگی نقش داشته. تاریخ جهانگشای جوینی نیز از جمله همین آثار است. در تحقیق پیش رو برآنیم تا مفاهیم یا جنبه های مختلف پایداری در آن را استخراج کنیم.

۲-۱-۱. تاثیرگذاری بر مخاطب:

یکی از اهداف ادبیات پایداری برانگیختن احساسات و ایجاد هیجان در اشخاص برای مقابله و مبارزه نیز می باشد. و این مرحله به نوعی نقطه آغازین پایداری است. با وجودی که جوینی در درجه اول یک سیاست مدار است که هدفش از نوشتن تاریخ، تاثیر گذاری صرف بر مخاطب نیست اما در بسیاری از قسمت ها مخاطب امروز را بعد از گذشت چندین قرن متاثر می کند.

باید توجه داشت که حتی قسمت هایی که به شدت احساسات را برمی انگیزد هم به این دلیل نوشته نشده تا بدین وسیله از مردم دعوت به همکاری در برابر مغول شود. زیرا اولاً در حکومت استبدادی مردم دیده نمی شوند و جایگاهی ندارند و ثانياً باید این نکته را به یاد داشت که جوینی این کتاب را در

حین حمله مغول به نگارش در نیاورده تا در آن بخواهد مردم را تشویق به جنگ و مقابله با مغول کند. بلکه سالها بعد از حمله مغول و در زمانی که امپراطوری مغول شکل گرفته و سلاطین مغول نه در حال جهانگیری بلکه در حال جهانداری هستند این کتاب را می‌نویسد با این حال این اثر مخاطبان خویش را در برابر بیگانگان و دشمنان همسو و متحد می‌کند. به عبارت دیگر اگرچه دوره مغول و حملات آنها سپری شده و تاریخ جهانگشای نمی‌تواند مردم را در برابر مغولان بسیج کند اما نبرد در برابر مغولان آخرین جنگ ایرانیان نیست. تاریخ جهانگشای هویتی به مخاطبان می‌بخشد که آنها را برای رویارویی با هر دشمنی آماده و یگانه می‌کند. بنابراین کارکرد پایداری اثر حفظ خواهد شد.

در زیر نمونه های تاثیر گذاری از متن انتخاب شده است :

۱. ذکر سبب قصد ممالیک سلطان (اترار) :

غایر خان بر امثال اشارت ایشان را بی مال و جان کرد بلکه جهانی را ویران و عالمی را پریشان و خلقی را بی خان و مان و سروران به هر قطره‌ای از خون ایشان جیهونی روان شد و قصاص هر تار مویی صد هزاران سر ، بر سر هر کوئی گویی گردان گشت و بدل هریک دینار هزار قنطار پرداخته شد. (ج ۱/۶۱)

۲. ذکر استخلاص ماوراء النهر بر سبیل اجمال :

چنگیزخان بنفس خویش بدان بلاد رسید و تیار بلا از لشکر تتر در موج بود و هنوز از انتقام، سینه را تشفی نداده بود و از خون جیهون نرانده ... بخلاف خراسان و عراق که عارضه آن حمّی مطبقه و تب لازمه است هر شهری و هر دیهی را چند نوبت کشش و غارت کردند و سالها آن تشویش برداشت و هنوز تا رستخیز اگر توالد و تناسل باشد غلبه مردم بعشر آنچه بوده است نخواهد رسید و آن اخبار از آثار اطلال و دمن توان شناخت که روزگار عمل خود بر ایوانها چگونه نگاشته است. (همان: ۷۵-۷۴)

۳. ذکر استخلاص بخارا :

و صنادیق مصاحف به میان صحن مسجد می‌آوردند و مصاحف را در دست و پای می انداخت و صندوق‌ها را آخور اسبان می‌ساخت. و کاسات نبیذ پیاپی کرده و مغنیات شهری را حاضر آورده تا سماع و رقص می‌کردند و مغولان بر اصول غنای خویش آوازاها برکشیده و ائمه و مشایخ و سادات و علما و مجتهدان عصر بر طویله آخور سالاران به محافظت ستوران قیام نموده و امثال حکم آن قوم را التزام کرده بعد از یک دو ساعت چنگیزخان بر عزیمت مراجعت با بارگاه برخاست و جماعتی که آنجا بودند روان می‌شدند و اوراق قرآن در میان قاذورات لگدکوب اقدام و قوایم گشته درین حالت امیر امام جلال الدین علی بن الحسن الرندی که مقدم و مقتدای سادات ماوراءالنهر بود و در زهد و ورع مشارالیه روی به امام عالم رکن الدین امام زاده که از افاضل علمای عالم بود طیب الله مرقدهما آورد و گفت مولانا چه حالتست این که می‌بینم بیداریست یارب یا بخواب،

مولانا امام زاده گفت خاموش باش باد بی نیازی خداوند است که می‌وزد سامان سخن گفتن نیست. (همان: ۸۰)

۴. ذکر واقعه خوارزم :

و نكباء فتنه بر زمین و زمان انگیخته‌تر شد. محله به محله و سرای به سرای می‌گرفتند و می‌کند و تمامت خلق را می‌کشت تا تمامت شهر مسلم شد. خلیق را به صحرا راندند آنچه ارباب حرفت و صنعت بودند زیادت از صدهزار را جدا کردند و آنچه کودکان و زنان جوان بود برده کرد و به اسیری برد و باقی مردان را بر لشکر قسمت کردند هر یک مرد قتال را بیست و چهار نفس مقتول رسید. قال الله تعالی فجعلناهم احادیث و مزقناهم کلّ ممزق انّ فی ذلک لآیات لکل صبار شکور و لشکر به نهب و تاراج مشغول شدند و بقایای بیوت و محلات را ویران کرد. خوارزم که مرکز رجال رزم و مجمع نساء بزم بود ایام سر بر آستانه آن نهاده و همای دولت آن را آشیانه ساخته مأوی ابن آوی گشت و نشیمن بوم و زغن شد. دور از خوشی دور شد و قصور بر خرابی مقصور گشت. (همان: ۱۰۰)

۵. ذکر حرکت چنگیز خان بجانب نخشب و ترمذ :

و بوقت آنکه فارغ شدند عورتی را دیدند گفت بر من ابقا کنید تا مرواریدی بزرگ دارم بدهم بعد از مطالبت مروارید گفت آن مروارید را التقام کرده ام شکم او بشکافتند و حبوب مروارید از آنجا برداشتند و بدین سبب بفرمود تا شکم کشتگان را می‌شکافتند. (همان: ۱۰۲)

۶. ذکر عبور چنگیز خان بر معبر ترمذ و استخلاص بلخ :

بفرمود تا اهالی بلخ، صغیر و کبیر قلیل و کثیر را از مرد تا زن بصحرا راندند و بر عادت مألوف بر مئین و الوف قسمت کردند تا ایشان را بر شمشیر گذرانیدند و از تر و خشک اثر نگذاشتند از مدت ها وحوش از لحوم ایشان خوش عیشی می‌راندند سباع بی نزاع با ذئاب درساختند و نسور بی نشور با عقاب هم خوان گشتند. (همان: ۱۰۴)

۷. ... و به بامیان رسیدند. ارباب آن از باب مخاصمت و مقاومت درمی‌آمدند و از هر دو طرف دست به تیر و منجنیق یازیدند. ناگاه از شصت قضا که فنای کلی آن قوم بود تیر چرخی که مهلت نداد از شهر بیرون آمد و بیک پسر جغتای رسید که محبوب ترین احفاد چنگیز خان بود در استخلاص آن استعجال بیشتر نمودند و چون آن را بگشاد یاسا داد که هر جانور که باشد از اصناف بنی آدم تا انواع بهائم تمامت را بکشند و ازیشان کس را اسیر نگیرند و تا بچه در شکم مادر نگذارند و بعد از این هیچ آفریده در آنجا ساکن نگردد و عمارت نکنند و آن را ماوو بالیغ نام نهاد فارسی آن دیه بد باشد و تا این غایت هیچ آفریده در آنجا ساکن نشده است. (همان: ۱۰۵)

۸. توصیف بهار :

چون خبر قدوم ربیع به ربع مسکون و رباع عالم رسید سبزه چون دل مغمومان از جای برخاست و هنگام اسحر بر اغصان اشجار بلبلان بر موافقت فاختگان و قماری شیون و نوحه‌گری آغاز کردند و

بر یاد جوانانی که هر بهار بر چهره انوار و ازهار در بساتین و متنزهات می‌کش و غمگسار بودندی
سحاب از دیده‌ها اشک می‌بارید ...

نگه کن سحرگاه تا بشنوی	ز بلبل سخن گفتن پهلوی
همی نالد از مرگ اسفندیار	ندارد جز از ناله زو یادگار
کس لب بطرب بخنده نگوید امسال	وز فتنه دمی جهان نیاسود امسال
در خون گلم که چهره بنمود امسال	با وقت چنین چه وقت گل بود امسال

(همان: ۱۰۹)

۹. ذکر احوال مرو و کیفیت واقعه آن :

ای بسا پری و شان را که از کنار شوهران بیرون می کشیدند و خواهران را از برادران جدا می کردند و فرزندان را از کنار مادران می ستدند و از غضب ابکار، پدران و مادران را دل افکار... و سید عزالدین نسابه از سادات کبار بود و به ورع و فضل مشهور و مذکور بودست و معین بیرون مقتولان در نقب‌ها و سوراخ‌ها و رساتیق و بیابان‌ها هزار هزار و سیصد هزار و کسری در احصا آمده و درین حالت رباعی عمرخیام که حسب حال بود بر زبان راندست:

ترکیب پیاله‌ای که درهم پیوست	بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین سر و پای نازنین از سر دست	از مهر که پیوست و بکین که شکست

(همان: ۱۲۸-۱۲۷)

۲-۱-۲. تغییر ارزش‌ها در ادبیات پایداری :

"زندگی" که در مسیر عادی حیات، موهبتی بسیار با ارزش است در هنگام جنگ و پایداری دیگر ارزش نیست و در عوض، مرگ که پدیده خوشایندی نیست در هنگامه جنگ ارزش می‌شود و بر زندگی ترجیح پیدا می‌کند. چرا که قهرمان مرگ را بر زندگی با ذلت و خواری ترجیح می‌دهد و به عبارتی مرگ را انتخاب می‌کند.

همانگونه که گفته شد در تاریخ جهانگشای جوینی و کتاب‌هایی مانند آن و چه بسا در سراسر ادبیات ما، این پایداری فرهنگی است که جریان دارد و نه پایداری نظامی.

یکی از جلوه‌های این تغییر ارزش در جهانگشا در قسمت‌هایی نمود پیدا می‌کند که نویسنده برای تمام مسلمانانی که در مقابل مغولان کشته شدند چه آنهایی که مقاومت کردند و سپس کشته شدند و چه آنها که به یکباره تسلیم مغول شدند درجه شهادت قائل می‌شود:

آن جماعت که درجه شهادت یافته‌اند و آن افضل و اکمل درجاتست بعد از مرتبت نبوت نزدیک حضرت جلالت از حمل آصار و ثقل اوزار که در روزگار امن و فراغ اقتراف کرده باشند بشمشیر آبدار السیف محاء الذنوب. (ج ۱ / ۱۰)

۲-۱-۳. مؤلفه های ادبیات پایداری

۲-۱-۳-۱. هویت :

چرایی پرداختن به هویت در تحقیق پیش رو از آن است که در تاریخ جهانگشا با دو قومی روبه رو هستیم که از هر حیث متفاوت اند. زبان، سرزمین، فرهنگ، مذهب و حتی ویژگی های ظاهری شان. به عبارت دیگر در این کتاب دو هویت مغول و ایرانی در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند. همچنین در این کتاب به خوبی درمی یابیم که هویت ایرانی با حمله مغول مورد تهدید قرار گرفته و جویی در سراسر کتابش آگاهانه یا غیر آگاهانه برای حفظ و احیای این هویت اصیل ایرانی می کوشد.

مباحث مربوط به هویت مانند تعریف مشخص و درست از آن، تبیین دقیق انواع و ابعاد مختلف هویت و هویت ملی، همگی جزء دروس تخصصی رشته های دیگری مانند مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی است که کتاب های بسیار زیادی نیز درباره آن نوشته شده و من ناگزیر از مطالعه حداقل برخی از آنها بودم.

کتاب هایی که در این تحقیق بیش از همه به آنها رجوع کردم "ناسیونالیسم و هویت ایرانی" از داور شیخاوندی، "درآمدی بر هویت ملی" از بابک شمشیری، "هویت ملی و هویت فرهنگی" از جلال ستاری می باشد.

هویت از نظر لغوی یعنی حقیقت و ماهیت چیزی یا پاسخ به سوال چه کسی بودن و چگونه بودن. به عبارت دیگر هویت مجموعه نگرش ها، ویژگی ها و خصوصیات است که یک فرد را از دیگران متمایز می کند. اگرچه هویت از سویی نماینده تفاوت بین خود و دیگری است اما از سوی دیگر بیانگر تشابه بین افراد یک گروه نیز می تواند باشد.

از میان تعاریف مختلف، دو تعریف زیر از شیخاوندی و شمشیری را برگزیدم.

شیخاوندی در کتابش می نویسد :

هویت عبارت است از مجموعه خصایصی که شخص یا احساس درونی را تعیین می کند. احساس هویت از مجموعه متفاوت احساس ها ترکیب می شود مانند : احساس وحدت، احساس هم سازی، احساس تعلق، احساس ارزش، احساس استقلال و احساس اعتماد سازمان یافته بر محور اراده موجود ... یا به عبارت دیگر هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شیئی یا شخص را فراهم می آورد. (شیخاوندی، ۱۳۸۰ : ۹)

شمشیری نیز در کتاب *درآمدی بر هویت ملی* می نویسد: